

متن پرسش

با سلام: آقای عبودیت در مورد کیفیت انتزاع ماهیت از وجود در دروس خود اینطور اظهار می دارند که ماهیت از خود وجود شیء انتزاع می شود. و این را نقطه مقابل قول آقایان دیگه قرار می دهند که ماهیت را انتزاع از حد وجود می دانند. این که ماهیت از وجود شیء انتزاع میشه (قول آقای عبودیت) مشخصه مثلا من به علم حضوری در خود قوه عاقله را می بایم و مفهوم نطق انتزاع می کنم. اما اینکه ماهیت از حدود وجود انتزاع شده یعنی چی؟ یعنی مثلا از نداریهای وجود انتزاع شده به این شکل که ما هر وقت خواستیم ماهیت شیء ای را بیابیم بینیم اون شیء چه کمالاتی رو نداره؟ این که معنا نمیده و منظور آقایون هم قطعا این نیست. یا اصلا منظور آقایانی که گفتند ماهیات انتزاع میشه از نداری و نفاد و حد وجود منظور دیگه ای دارند؟ من این سوالو چن بار از آقایون پرسیدم اما به نتیجه نرسیدم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: انسان وقتی با کثرات روبه رو می شود از یک طرف وجود را به علم حضوری می شناسد و از طرف دیگر متوجه می شود آنچه در مقابل اوست موجوداتی هستند که وجود دارند. لذا نتیجه می گیرند که اینها «هست‌هایی» هستند که موجودند به محدودیتِ پرتقال و زمین و آسمان. و این یعنی انتزاع ماهیت از وجود با نظر به محدودیت ماهیات. موفق باشید